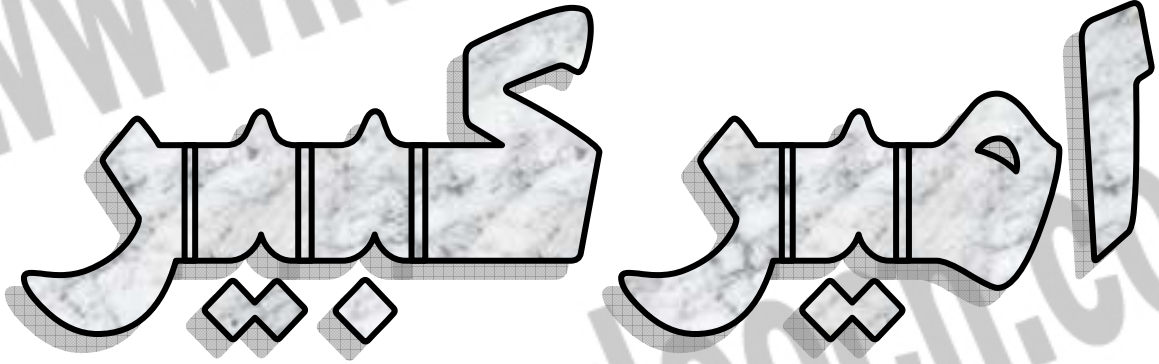


جهت خرید فایل word به سایت www.kandooon.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید



فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|---|
| ۱ | مقدمه |
| ۱ | شرح حال میرزا تقی خان امیر کبیر و خدمات وی قبل از صدارت |
| ۶ | صدارت میرزاتقی خان امیرکبیر |
| ۱۳ | برکناری و قتل امیرکبیر |
| ۱۸ | نتیجه گیری |
| ۱۹ | منابع مورد تحقیق |

مقدمه:

محمد شاه در ششم شوال سال ۱۲۶۴ هـ. ق. در تهران در گذشت. وی که ارادت خاصی نسبت به حاج میرزا آقاسی صدراعظم خود داشت؛ در اواخر زندگی خود به علت بیماری زمام امور مملکت را در بست در اختیار حاجی میرزا - آقاسی قرار داد. نظر به نارضایتی عمومی که از شیوهٔ صدارت حاجی وجود داشت، انتظار می رفت که با فوت شاه اغتشاش و ناامنی در سراسر ایران برپا شود، به ویژه اینکه مخالفان حاجی سخت در صدد بودند تا از وی انتقام بگیرند. انگلیسی ها که به وسیلهٔ دکتر معالج محمد شاه، از وضعیت مزاجی او مطلع بودند که شاه چند روزی بیش زنده نخواهد ماند، روی همین اصل توسط فرستاده ویژه ای خبر فوت شاه را به ولیعهد در تبریز رساندند. روس ها نیز در این امر پیشقدم شدند و با اعزام فرستاده ای به تبریز خبر فوت محمد شاه را به ولیعهد اطلاع دادند. در هر صورت اعلام این خبر، ناصرالدین شاه در صدور تدارک عزیمت به تهران برآمد و امیر کبیر مقدمات لازم حرکت وی را فراهم نمود.

شرح حال میرزا تقی خان امیر کبیر و خدمات وی قبل از صدارت:

- میرزا تقی خان یا میرزا محمد تقی خان، پسر مشهدی قربان هزاوه ای فراعانی از اهالی قریه هزاوه واقع در ۱۲ کیلومتری شمال غربی شهرستان اراک است. از آنجا که قریه هزاوه در مجاورت فراهان اراک قرار دارد و فراهان همانند آشتیان از مناطق ادیب پرور ایران بوده و خانواده قائم مقام نیز به این منطقه تعلق داشته ، لذا خانواده امیرکبیر به خدمتکاری خانواده قائم مقام مشغول بوده است، پدر امیر کبیر که فرزند طهماسب بیک نوکر میرزا حسین وفا بوده، دئر خدمت این خانواده به آشپزی اشتغال داشته و بعد از زیارت عتبات عالیات و مکه به کربلای و سپس حاج قربان بیک - آشپز معروف گردیده و در آخرهای عمر خود به سمت قاپوچی (دربانی) قائم مقام دوم انتخاب گردیده است. معروف است که وی در شب قبل از دستگیری قائم مقام، خواب این حادثه را دیده بود.

- تاریخ تولد امیرکبیر حدوداً بین سالهای ۱۲۱۴ - ۱۲۱۰ هـ. ق بوده است. امیر از سن طفولیت در خاندان قائم مقام فراهانی مشغول خدمت بود و به واسطه هوش فطری و استعداد ذاتی که از خود نشان می داد، قائم مقام را بر آن داشت تا در تعلیم و تربیت وی نهایت کوشش را به عمل آورد.

گفته می شود امیرکبیر در دوران کودکی نهار بچه های قائم مقام را به اتاق آنها می برده و سپس هنگامی که پشت در اتاق منتظر ظروف غذا می ایستاده از باب تیز هوشی و ذکاوت مبادرت به استراق سمع کلمات متبادله بین فرزندان قائم مقام می نموده. روزی

قائم مقام سؤالاتی چند از فرزندان خود به عمل آورد و چون آنها قادر به پاسخگویی نبوده اند، امیر پاسخ می دهد. قائم مقام از وی سؤال می نماید که مطالب را از کجا آموختی؟ وی پاسخ می دهد از پشت درب اتاق بچه های شما. قائم مقام از وی خوشش آمده و دستور می دهد تا معلم فرزندانش به وی نیز درس بیاموزد. امیر نیز با شوق و اشتیاق به فراگیری درس مشغول شد، همین که به سن رشد رسید، در خدمت میرزا ابولقاسم قائم مقام و دستگاه محمد خان زنگنه - امیر نظام، وارد خدمت دولتی می گردد و بنا به گفته میرزا جعفر فورموجی: چون قائم مقام در ناحیه احوال میرزا تقی خان آثار رشد و تمایل شهابی دید تفرس کرد او را در اعداد نویسندگان خویش معدود نمود و از آن پس چندی در سلک محررین محمد خان زنگنه امیر نظام منسلک گردید. به سبب جوهر ذاتی و کاردانی به اندک مدت از امثال و اقران خویش قصب السبق ربوده و یک و به مناصب بزرگ رسید. هنگامی که قائم مقام به صدارت می رسد میرزا تقی خان را به برادر زاده خود میرزا اسحق می سپرد و می گوید: الحق یکا دزیتها یعنی. در حق قوه مدرکه اش صادق است و فالله خیر حافظ و هوارحم الراحمین. خلاصه این پسر ترقیات دارد و قوانین بزرگ به روزگار می گذارند. باش تا صبح دولتش بدمد. امیر از یک سو جزء افراد طبقه پائین جامعه ایران بوده و از سوی دیگر با بزرگانی چون قائم مقام فراهانی و محمد خان زنگنه امیر نظام محشور بوده است. لذا هنگامی که به صدارت رسید به کلیه پیچ و خمهای مسائل ایران و مشکلات کشور آگاه بود. وی پس از منشی گری امیر نظام، مستوفی نظام شد. و دیری نگذشت که به وزارت نظام آذربایجان رسید و

از این به بعد کارش بالا گرفت و همه ترقیاتش در زمان قائم مقام بود. وی وزارت آذربایجان را با منصب سرتیپی تاهنگام عزیمت با ناصر الدین شاه به تهران همچنان به عهده داشت و شاه بعد از جلوس به تخت سلطنت منصب امیر نظام را به وی اعطا کرد. ذکاوت و کاردانی امیر کبیر قبل از رسیدن به مقام صدارت به منصفه ظهور رسیده بود. آنچه در رابطه با مسئولیت های میرزا تقی خان قبل از رسیدن به مقام صدارت قابل اهمیت می باشد، مأموریت های سیاسی وی به خارج از کشور است که درایت و کاردانی وی را در این مأموریتها کاملاً مشخص می کند. امیر در طول حیات سیاسی خود سه مأموریت به خارج از کشور داشت که هر سه نیز در دوران قبل از صدارت بود. (اولین مأموریت در زمان صدارت عبد الله خان امیر الدوله و دومین و سومین مأموریتها در زمان صدارت حاج آقاسی). فعالیتها و اقدامات امیر در این مأموریتها هم به نفع او بوده و هم به ضرر او تمام شد. به نفع او بود، از این جهت که هم تجربه آموخت و مسئولین دول همسایه به کاردانی و کفایت و وطن پرستی او پی بردند، و به ضرر او تمام شد، چون که وی را مانع اهداف خود در ایران دانسته و نقشه قبل او را تهیه نمودند.

اما مأموریت های محوله به شرح ذیل بوده است:

الف: اولین مأموریت امیر به خارج از کشور در سال ۴۵- ۱۲۴۴ هـ. ق همراه خسرو صورت گرفت. مأموریت این هیئت عذر خواهی از دولت روسیه به علت قتل گریبایدوف و هیئت همراه وی بود. امیر در این مأموریت سمت منشی گری را داشت. علاوه بر آن قائم مقام وی را موظف کرده بود تا تحرکات هیئت و مطالب رد و بدل شده

را مستقیماً به او گزارش نماید. وی در این مأموریت تحت تأثیر پیشرفتهای روسیه قرار گرفت. این مسافرت گرچه در رابطه با عذر خواهی از روس ها صورت گرفت، اما گفته می شود عباس میرزا از اهداف دیگری نیز از اعزام این هیئت به مسکو داشت، و آن تحکیم اساس سلطنت آینده خود و فرزندش محمد میرزا بوده است.

ب - دومین سفر میرزا تقی خان به خارج از کشور، در سال ۱۲۵۳ هـ. ق اندکی بعد از انتخاب شدن به وزرات نظام آذربایجان صورت گرفت. در این سال تزار روسیه به منظور سرکشی به مناطقی که طی جنگهای ایران و روسیه به تصرف در آمده بود به منطقه قفقاز آمده اظهار تمایل نمود که با محمد شاه ملاقات نماید. چون محمد شاه مشغول محاصره هزات بود، فرزند ۶ ساله خود، ناصر الدین میرزا را روانه ایروان نمود و همانند مسافرت قبلی، محمد خان زنگنه امیر نظام و میرزا تقی خان جزء اعضای هیئت بودند. به هنگام ملاقات هیئت با تزار نیکلا، امپراتور روسیه از حال امیر جوپا می شود. سپس به زبان روسی با میرزا تقی خان احوال پرسی می نماید که میرزا تقی خان پاسخ می دهد. پس از آن امپراتور انفیه دانی به عنوان هدیه به امیر نظام و وزیر نظام می دهد.

ج - سومین مسافرت امیر به خارج از کشور در اوایل سال ۱۲۶۰ هـ. ق صورت گرفت که طی آن امیر به عنوان نماینده دولت ایران جهت حل اختلافات با دولت عثمانی عازم ارز روم گردید. چنانچه قبلاً مذکور افتاد، معاهده اول ارز روم در سال ۱۲۳۸ هـ. ق منعقد گردید، اما نتوانست به اختلاف ایران و عثمانی خاتمه دهد. زمینه مسافرت میرزا تقی خان به ارز روم به دنبال قتل عام شیعیان در کربلا به دست نجیب پادشاه فراهم

آورد. ابتدا قرار بود میرزا جعفر خان مشیر الدوله سفیر کبیر ایران در عثمانی نماینده ایران باشد، اما به علت بیماری، قرعه این مأموریت به نام میرزا تقی خان افتاد وی توانست عهدنامه دوم ارز روم را که شامل یک مقدمه و ۷ ماده و خاتمه بود. بین ایران و عثمانی منعقد سازد. این عهدنامه هر چند از لحاظ خطوط مرزی کاملاً مشخص نبود، ولی اساس روابط بعدی ایران و عثمانی را تشکیل می داد. درایت و کاردانی میرزا تقی خان در این مأموریت به روشنی مشخص شد. بنابه گفته واتسن در میان مأموران اعزامی ایران و عثمانی و روسیه و انگلستان که در آن موقع به ارز روم رفته بودند، امیر از همه آنها جالبتر به شمار می رفت و هیچ قابل مقایسه با دیگران نبوده است.

امیر بعد از مراجعت از ارز روم مجدداً در دستگاه ولیعهد در تبریز مشغول خدمت بود و در این هنگام میرزا فضل الله نصیر الملک علی آبادی از جانب دولت در تبریز پیشکار ناصر الدین میرزای ولیعهد بود و میرزا تقی خان نیز سمت وزیر نظامی را داشت. امیر به این شغل، مشغول انجام وظیفه بود تا اینکه محمد شاه در شوال ۱۲۶۴ هـ. ق در تهران در گذشت و نوبت سلطنت ناصر الدین شاه رسید.

صدارت میرزا تقی خان امیر کبیر:

خبر فوت محمد شاه ابتدا توسط چاپارهای انگلستان و روسیه به تبریز رسید و چون ناصر الدین میرزای ولیعهد از این امر مطلع شد. در صدد تهیه مقدمات حرکت خود به تهران آمد. محمد حسن خان بعد از اظهار عرایضی و گرفتن دست بیرون آمده به اعداد و تهیه کار پرداخت. امیر پس از گرفتن این اختیار تام از شاه جدید در صدد تهیه پول برآمد و چون خزانه خالی بود مبلغی در حدود سی هزار تومان از بازرگانان تبریز و مقداری نیز از یک تاجر یونانی قرض نمود. مقدمات تاجگذاری شاه جدید را فراهم ساخت و شاه در ۱۸ شوال یعنی ۱۲ روز بعد از فوت پدر در تبریز تاجگذاری کرد و روز بعد عازم تهران شدند. اما در پایتخت جنب و جوش دیگری ادامه داشت در اثر فوت محمد شاه و نارضایتی از شیوه صدارت حاج میرزا آقاسی، در تهران و جاده های اطراف آن تا حدودی نا آرامی بروز نموده، مترصدین صدارت نیز بیکار نشسته بودند مهد علیا مادر ناصر الدین شاه، مشغول رتق و فتق امور بود. در این هنگام، دو گروه به طور عمده در تهران حضور داشتند. جمعیت آذربایجان ها که طرفدار حاج میرزا آقاسی بودند و دیگری گروه آصف الدوله که هر دو با هم رقابت داشتند. مهد علیا که زنی سیاستمدار بود، جانب گروه آصف الدوله را گرفت. همزمان با این اقدام آقا خان نوری وزیر لشکر هم که در کارشان به حالت تبعید به سر می برد، به تهران آمده، مهد علیا نیز این اقدام راضی و خوشحال بود با این امید که بتواند کارها را بر وفق مراد خود ادامه دهد. البته عزیمت میرزا آقاخان به سمت تهران با چراغ سبز انگلیسی ها صورت گرفته

بود. از لحظه حرکت از تبریز تا وصول به تهران، نزدیک به ۵ هفته به طول انجامید. حسن تدبیر میرزا تقی خان در اداره امور لشکریان همراه شاه از لحظه حرکت از تبریز تا وصول به تهران، برهمگان آشکار شد و اولین فرمان سیاسی و نظامی امیر که حالت بخشنامه ای داشت و خطاب به سپاهیان بود، صادر گردید. امیر در این فرمان سپاهیان را به رعایت نظم و انضباط و جلوگیری از تعدی و تجاوز به حقوق مردم عادی و اهالی روستاهای موجود در مسیر حرکت فرا خواند و هشدار داد که اگر از طرف همراهان شاه نسبت به احدی از دهاتی ها و مردم محلی کمترین تجاوز و آزاری بروز نماید، و دیناری مجانی و بلاعوض به عنوان علوفه حیوانات و غیره از کسی اخذ شود و یا اسب و اشتر کسی از نظامیان در مزرعه و کشته رعیتی دیده شود، همان حیوان باید به صاحب زراعت داده شود و اگر یکی از همراهان، تعدی و تجاوز نسبت به مردم دیده شد، بلادرنگ شکم متجاوز پاره می شود. حسن تدبیر امیر از لحظه حرکت از تبریز برای شاه جدید آشکار شد. لذا وی در مسیر حرکت در ناحیه جان از بخش بستان آباد تبریز منصب امیر نظامی را که از زمان فوت محمدخان امیر نظام (۱۲۵۷ هـ. ق) به کسی داده نشده بود، به میرزا تقی خان اعطا نمود. حرکت از تبریز تا تاجگذاری در تهران جمعاً ۳۳ روز به طول انجامید (۱۸ شوال حرکت از تبریز، ۲۰ ذیقعه وصول به یافت آباد تهران و ۲۲ ذیقعه جلوس به تخت سلطنت). در روز جلوس بر تخت سلطنت، ناصر الدین شاه لقب اتابک اعظم به میرزا تقی خان اعطا و به این ترتیب وی مقلب به امیر کبیر اتابک اعظم گردید و دستخطی نیز توسط شاه به امیر کبیر نوشته شد.

امیرکبیر زمانی که به صدارت رسید، خزانه مملکت تهی، مداخلات روس انگلیس در امور ایران فراوان، کینه جویی عثمانی ها پابرجا، مدعیان صدارت زیاد، رشوه و فساد در سراسر ایران جاری، و به طور کلی کارها از مجاری خود خارج و شیرازه امور مملکتی در حال گسستن بود. اما این کوه مشکلات در برابر اراده قوی امیرکبیر گاهی بیش نبود، لذا وی کمر همت را بسته در صدد رفع مشکلات برآمد. از آنجا که در اواخر سلطنت محمدشاه حکومت در ایران تقریباً شکل ملوک الطوائفی به خود گرفته بود و همزمان با فوت وی، اغتشاشاتی در خراسان و کرمانشاهان و کردستان، کرمان، بهبهان، شیراز، یزد، زنجان و شهرهای مختلف ایران به وجود آمد. امیرکبیر علت اصلی این مشکلات را ضعف حکومت مرکزی می دانست. لذا در صدد برآمد تا حکومت مرکزی را قوی نموده، دست یاغیان را از سرکشی کوتاه کند. به علاوه چون عده ای از این یاغیان از حمایت های دولت های روس و انگلیس برخوردار بودند با نفوذ این دو دولت نیز به مقابله پرداخت. اولین اقدام امیر، خاتمه دادن به فتنه سالار در خراسان بود. امیر ابتدا افشار سرکرده ایل و سواران افشار را با عده ای سوار مأمور خراسان کرد. ولی چون وی نتوانست سالار را به راه راست هدایت کند، امیر، سلطان مراد میرزا پسر سیزدهم عباس میرزای نایب السلطنه و عموی ناصرالدین شاه را مأمور این کارکرد. پس از زدو خورد شدید، سرانجام سالار با پسر و برادرش تسلیم و هر سه اعدام گردیدند. ناصرالدین شاه به علت نسبتی که با سالار داشت مایل به کشتن او نبود ولی امیر شاه را به اعدام سالار راضی نمود. بعد از فرونشاندن فتنه سالار، امیر توجه فتنه بابی ها یعنی پیروان میرزامحمد

علی شیرازی در مازندران، تبریز و زنجان شد و با مهارت تامه به اصفای انوار این امر و اعدام با بیمه پرداخت و در مازندران قلعه طبرسی که سنگر و مأمن با بیان به سرکردگی ملاحسین بشرویه ای و ملا محمد علی قدوس بود، پایان داد. سپس به قیام آخوند ملا محمد علی حجت که در زنجان برپا شده بود، به کلی خاتمه داد و در سال سوم صدارت خود آشوب تبریز را که پیشوایی و سرکردگی سید یحیی دارابی ایجاد شده بود دفع نمود، سپس میرزا علی محمد شیرازی نیز از اقدامات امیر در سرکوب مخالفین موجب گردید که از همان ابتدای صدارت نقشه هایی بر ضد وی طرح ریزی شود. هنوز ۴/۵ ماه از صدارت امیر سپری نگردیده بود که فتنه دامنه داری با رهبری امرا و اعیان درباری علیه او آغاز گردید و عامل اجرای آن ۲۵۰۰ سرباز آذربایجانی پاسدار ارک دولتی بودند که مورد تحریک قرار گرفتند و به خانه امیر حمله کردند، اما به خاطر حرمت خواهر شاه که همسر امیر بود و هم به علت مساعدت میرزا آقاخان نوری مهاجمین از داخل شدن به بیت امیر خودداری کردند. از اقدامات مهم اصلاحی امیرکبیر، تعدیل مخارج دولتی به منظور سر و سامان دادن به وضع بودجه مملکت بود. در زمان صدارت حاج میرزا آقاسی کسری بودجه کشور در سال ۲ کرور تومان بود. (هر کرور ۵۰۰ هزار تومان) امیر دستور کاهش حقوق و مواجب افراد به نصف را داد، یعنی مقرر شد هر فرد حقوق بگیر در سال معادل ۶ ماه حقوق دریافت کند. به نوشته صدراالتواریخ اگر چه میرزا تقی خان امیر نظام مواجب مردم را کم کرد ولی کسر او بهتر از زیادن و افزودن دیگران بود. امیر برای شاه و درباریان حقوق ثابت معین و مواجب و مستمری دیوانیان را مشخص نمود.

برای تعدیل دخل و خرج کشور، هیئتی از مستوفیان را تحت نظر میرزا یوسف مستوفی الممالک گماشت که صورت درستی از وضع بودجه مملکت، تنظیم نماید. گرچه این اقدام موجب نارضایتی شاه شد، اما شاه گفت که این اقدام به نفع مملکت است. امیر چون عزت و عظمت کشور را ناشی از قدرت نظامی می دانست در صدد تجدید ساختار ارتش ایران برآمد. امواج جدید تشکیل داد، اعطای درجه را بر اساس لیاقت و کاردانی مرسوم نمود. بنای کارخانه های جدید را گذاشت، دژهای نظامی محکم ساخت و در صدد تأسیس نیروی دریایی در خلیج فارس بر آمد. اونیفورم به سبک نظام اتریش از پارچه های وطنی محصول ایران تهیه نمود. سرباز خانه وساخلو ایجاد کرد.

در کنار توجه به امور نظامی و به اقتباس از صنعت دول غربی، کارخانجات متعدد در تهران، کاشان، قم تأسیس نمود. صنایع دستی ایران را تقویت کرد. جلو ورود کالا از خارج را گرفت، به کشاورزی توجه خاصی مبذول می داشت. به معادن اهمیت داد. مهمتر از همه دست به تأسیس دارالفنون که اولین دانشگاه ایران به شمار می رود، زد.

در برخورد با دول خارجی، امیر چون از ارتباط برخی از اتباع ایران با سفارتخانه های خارجی مطلع بود به کلیه عمال دولت دستور داد که از هر گونه رفت و آمد و تماس با مأمورین خارجی (جز در مورد مأمورین وزارت امور خارجه) احتراز جویند و چون حاجی میرزا مسعود گرمرودی وزیر امور خارجه در سال ۱۲۶۵ هـ. ق وفات یافت، امیر کبیر امور آن وزارتخانه را خود شخصاً به عهده گرفت و میرزا محمد علی خان شیرازی را که قبلاً سفیر ایران در پاریس بوده به معاونت خود در آن وزارتخانه برگزید. امیر کبیر

چون از ملاحظات سفارتخانه های خارجی در امور جاری ایران آگاهی داشت، جهت اطلاع از تحرکات و ارتباطات دیپلمات های خارجی مأمورین مخفی و نفوذی در داخل سفارتخانه های گماشت تا تحرکات آنان را زیر نظیر داشته و اقدامات غیرمجاز آنان را به امیر گزارش نمایند. به علاوه جهت خود این گروه نیز مأمورین ضد اطلاعاتی قرار داده بود. از جنبه تحولات در روابط خارجی ایران در دوران صدارت امیرکبیر چندین موضوع قابل توجه وجود دارد:

اولین موضع گیری امیر در قبال بیگانگان، در همان اوایل فوت محمدشاه و حرکت ناصرالدین شاه از سمت تبریز به جانب تهران آشکار شد و آن هنگامی بود که شاه جوان طبق روال گذشته قبل از عزیمت از تبریز حفاظت و حمایت ارمنی های ساکن تبریز را به عهده کنسولگری انگلستان واگذار کرد و فرمانی در این زمینه صادر کرد که میرزا تقی خان از این اقدام شاه بسیار آشفته می شود. این اولین اقدام امیرکبیر نمایان گر خوی ضد استعماری او بود. از نظر روابط با همسایگان ایران در دوره صدارت امیرکبیر، سه نکته قابل توجه وجود دارد:

نخست این که در روابط با دولت عثمانی، در همان اوایل صدارت امیرکبیر اختلافات سر حدی ایران و عثمانی مجدداً از سر گرفته شد. این بار عمده اختلافات بر سر شط العرب (اروند رود) بود. امیر برای جلوگیری از سوء استفاده دولتهای روسی و انگلیس مقرر نمود تا میرزا جعفرخان مشیرالدوله از جانب دولت ایران مأمور اصلاح این قضیه می گردد. در رابطه با روس ها قضیه آشوراده پیش آمد. موضوع از این قرار بود که روس

ها به بهانه جلوگیری از غارتگری ترکمانان در جزیره آشوراده در دریای مازندران، در سالهای ۱۲۵۲ و ۱۲۵۸ هـ. ق نیرو پیاده کردند و توجهی به درخواستهای مکرر دولت ایران مبنی بر تخلیه این جزیره به عمل نمی آوردند. وضع به این منوال بود تا اینکه در سال ۱۲۶۷ هـ. ق (۱۸۵۱ م) عده ای از تراکمه در شب عید روس ها، به آنها که مشغول رقص و پایکوبی بودند حمله کرده عده ای را کشته و عده ای را اسیر کردند. بعد از این واقعه روس ها در عزل حاکم مازندران که برادر شاه بود اصرار ورزیدند. امیرکبیر اندکی مقاومت نمود. اما برای اینکه بهانه ای به دست روسها جهت تیره شدن رابطه دو کشور ندهد، ناچار با تقاضای روس ها موافقت نمود.

اما در رابطه با انگلیسی ها، در زمان صدارت امیر، انگلیسی ها تقاضای مبنی بر جلوگیری از برده فروشی و بازرسی از کشتی های ایرانی در خلیج فارس به عمل آوردند. در زمان حیات محمد شاه طی فرمانی ورود غلام و برده از راه دریا ایران قذغن گردیده بود، چون انگلیسی ها در ظاهراً دوست بودند. امیرکبیر با این درخواست موافق نمود، قرار دادی بین دو دولت منعقد گردید که به موجب آن به کشتی های انگلستان اجازه داده می شد به مدت ۱۱ سال کشتی های تجاری ایران را به منظور جلوگیری از برده فروشی مورد بازرسی قرار دهند.

برکناری و قتل امیرکبیر:

چون اقدامات امیرکبیر و قدرت فوق العاده وی، موجب ترقی و پیشرفت ایران از یک سو و جلوگیری از مداخلات بیگانگان از سوی دیگر گردید، دشمنان وی دست به دست هم داده و توطئه براندازی او را چیدند، و سرانجام به این خواسته شوم خود نیز رسیدند. توطئه برضد وی به قدری گسترده بود که در کاخ سلطنتی و از رأس هرم اعضای کاخ یعنی مادرشاه آغاز هدایت می شد. مهد علیا که زنی جاه طلب بود به ناصرالدین شاه گفته بود:

« به یک نفر وزیر که نباید این قدر اقتدار و اختیارات نامحدود داد. »

علاوه بر مهد علیا میرزا آقاخان نوری وزیر لشکر که به نوشته برخی از مورخین رابطه نامشروعی نیز با مهد علیا داشت، نقش عمده ای در برکناری و قتل امیر عهده دار بود. امیرکبیر گرچه از ابتدا نسبت به میرزا آقاخان سوء ظن داشت، اما به خاطر نقشی که در حمایت از وی در حادثه شورش اوایل صدارت برعلیه امیر به عهده گرفت، و به پاس قدردانی از زحمات وی، او را به سمت نیابت صدارت تعیین کرد.

هنگامی که امیرکبیر از نقشه خیانت میرزا آقاخان نوری و همدستی وی با انگلیسیها آگاه گردید، بلافاصله وی از سمت معاونت خود و همچنین از وزارت لشکر معزول و مقدمات اعدام او را فراهم می ساخت کلنل شل وزیر مختار انگلستان در تهران با امیر ملاقات و تعهد نامه ای مبنی بر عدم اذیت میرزا آقاخان از امیرکبیر گرفت و وی را به کاشان تبعید کرد. امیر همچنان قصد نابود کردن مهد علیا را داشت و به ناصرالدین شاه

پیشنهاد نموده بود که به هنگام شکار مادر خود را ظاهر و به صورت غیر عمد مورد هدف قرار دهد. اما اقدامات امیر مسمر ثمر واقع نشد و سوءظن شاه نسبت به وی روز به روز در حال افزایش بود. از بد حادثه، ناصرالدین شاه در رجب سال ۱۲۶۷ هـ. ق به منظور سرکشی عازم اصفهان گردید و سلسله حوادثی در این سفر اتفاق افتاد که موجب تسریع در برکناری و قتل امیر گردید. از جمله اینکه امیر به هنگام مسافرت در داخل شهر اصفهان اسب خود را جلوتر از اسب شاه قرار داده به گونه ای که شاه با شلاق بر سر اسب امیر می کوبد. به علاوه به هنگام استقبال اهالی شهر از فرط غرور چندان توجهی به حریم شاه نمی نمود. در مسیر بازگشت از اصفهان امیر از شاه تقاضا می کند تا میرزا علی خان پیشخدمت مخصوص خود را به گروس (بیجار) تبعید نماید. شاه این کار را انجام داد. اما در باطن کینه وی نسبت به امیرکبیر بیشتر شد. در مسیر راه پس از رسیدن به قم، ناصرالدین شاه کوچکتر کمتر خود موسوم به عباس میرزا را به درخواست مادرش به حکومت قم منصوب نمود. امیر بدون مشورت با شاه دستور داد عباس میرزا و مادرش به تهران حرکت کنند. مجموعه این اقدامات به اضافه تلقین این امر به شاه که امیرکبیر قصد دارد با کشتن مهد علیا به دشت شاه زمینه برکناری ناصرالدین شاه را فراهم آورد، موجب وحشت فراوان شاه گردید. و بنا به گفته واتسن به قدری ذهن شاه را از مقاصد امیر پر کردند که تا وضع خود را به صورت حمله احتمالی مستحکم نمود به انفصال او (امیرکبیر) اقدام نکرد.

چون زمینه از هر نظر فراهم شد، شاه فرمانی برای امیر در ۱۹ محرم سال ۱۲۶۸ صادر نمود. متن فرمان صادره لحن ملایمی دارد و به نظر می رسد شاه از صدور فرمان عزل امیر چندان رضایتی نداشته و یا اینکه دشمنان امیر مرحله به مرحله به جلو می رفته اند. باری بعد از عزل امیرکبیر از صدارت، وی تلاش نمود تا با شاه ملاقات نماید. شاه ابتدا اتناع ورزید ولی سرانجام ملاقاتی بین این دو صورت گرفت. امیر خدمات خود به شاه را تشریح نمود ولی سودی نبخشید. بعد از این ملاقات است که امیر تعهد نامه ای را امضاء می نماید. از متن این تعهد نامه مشخص می گردد که عدم اطاعت امیر از دستورات و فرامین شاه، نگرانی شاه از عدم توجه امیر به نظرات وی در رابطه با دول خارجی، مخالفت امیرکبیر با انتخاب مأمورین حکومتی توسط شاه، کنترل مستقیم شهر تهران توسط امیر، رفتار غرور آمیز امیر با مردم و شکایت عده ای از مردم علیه به کاربردن کلمات تند توسط امیرکبیر، مکاتبات مستقیم امیر با حکام ولایت ها از عوامل و دلایل عصبانیت شاه از امیرکبیر بوده که امیر متعهد می شود از آن پس بر طبق میل شاه رفتار نماید. بعد از عزل امیرکبیر از صدارت، به وی پیشنهاد شد که ایالت فارس و قم، اصفهان و یا قم را قبول کند. اما به گفته واتسن، امیرکبیر سیرت هموطنان خویش را نیک می دانست و خیال می کرد همین که از مقرر شاه دور شود تامین برای حفظ جان خود نخواهد داشت و به واسطه این وا همه از موافقت با پیشنهادی که کرده بودند، امتناع ورزید، ولی در اثر نفوذ وزیر مختار انگلیس سرانجام تصمیم اتخاذ شد که او را به حکومت کاشان منصوب کنند. امیر چون می دانست اگر از تهران دور شود سرنوشت

شومی دچارش خواهد شد، تمایلی به عزیمت از تهران نداشت، ولی دشمنان وی بیکار نشستند لذا ۵ روز بعد از برکناری از مقام صدارت، وی را از ریاست لشکر نیز معزول و به دستور ناصرالدین شاه، جلیل خان بیات به همراه یکصد نفر سوار، امیر و بستگانش را به کاشان برد.

از لحظه عزل امیر از صدارت تا تاریخ قتل وی که کمتر از دو ماه به طول انجامید، چند نکته قابل توجه وجود دارد:

یکی ابراز تأسف و تنفر شدید عزت الدوله همسر امیرکبیر از اقدام برادر خود یعنی ناصرالدین شاه برکناری امیر از صدارت و تبعید وی به کاشان بود.

با این که این دو از لحاظ سنی تفاوت زیادی باهم داشتند ولی در فاصله سه سال زندگی مشترک به قدری به یک دیگر علاقه مندی پیدا نمودند که غیر قابل توصیف می باشد. عزت الدوله تا آخرین لحظه از امیر مراقبت شدید به عمل آورد و حتی در آخرین روز حیات امیر به وی توصیه نمود که از رفتن به حمام فین کاشان خودداری کند.

نکته بعدی که بیشتر از آن بوی توطئه استنباط می شد تا حمایت از امیرکبیر، اعدام عده ای از قزاق توسط دالغورکی وزیر مختار سفارت روسیه به اطراف خانه امیر به محافظت از وی بود که این اقدام موجب جدی تر شدن شاه جهت تبعید امیر به کاشان گردید، گرچه گفته می شود دالغورکی که از افتادن صدارت ایران به دست میراز آقاخان نوری نگران بوده و از امپراتور روسیه تقاضا کرده بود که نامه ای به خط خود برای ناصرالدین شاه نوشته، تقاضا کند تا دوباره میرزاتقی خان را به صدارت برگزینند. ولی روس ها در

باطن چندان علاقه ای به امیرکبیر نداشتند. چون قضیه پس گرفتن شیلات از روس ها و عدم موافقت امیرکبیر با ساختمان بیمارستانی که روس ها امتیاز آن را در زمان محمدشاه گرفته بودند و امیر زیر بار آن نمی رفت، و همچنین قضیه جزیره آشوراده و مذاکرات پنهانی امیرکبیر با خان خیره جهت حمله به ترکمنستان از عواملی بود که موجب نارضایتی روس ها از سیاست های امیرکبیر گردیده بود.

باری امیر به کاشان تبعید شد، اما همچنان امیدوار بود که شاه به اشتباه خود پی ببرد، مجدداً امر صدارت را به وی واگذار کند. از سوی دیگر، میرزا آقاخان نوری جانشین امیر گفته بود تا میرزا تقی خان زنده است. من نمی توانم قلمدان او را در جیبم بگذارم لذا خواستار قتل امیرکبیر شده بود. شاه نیز به اصرار او فرمان قتل امیر را صادر کرد و فراشباشی، وی را در حمام فین کاشان در روز جمعه ۱۷ ربیع الاول ۱۲۶۸ هـ. ق به قتل رسانید.

« والسلام »

نتیجه گیری:

این تحقیق به منظور بررسی زندگی و اقدامات امیر کبیر انجام شد و وی از جمله کسانی بود که در تاریخ ایران به عنوان یک چهره فعال و درخشان بوده و فعالیت های وی بسیار مسمر ثمر واقع شده است.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooon.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

منابع مورد تحقیق :

کتاب صدر اعظم های دوره قاجار ، نوشته پرویز افشار .

کتاب امیر کبیر ایران نوشته فریدون آدمیت.